

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی الگوی مناسب
(مطالعه موردی منطقه موسیان)

**Investigating the situation of primary education in deprived areas
And designing and validating an appropriate model
(Case study of Musian area)**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳/۱۰/۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴/۰۲/۱۴۰۱

J. Shirkarami
A. Faghihi (Ph.D)
M. Mohammadi (Ph.D)

جواد شیرکرمی^۱
علیرضا فقیهی^۲
مژگان محمدی نائینی^۳

Abstract: The aim of this study was to investigate the education status of deprived areas it has been done by case study of Musian region and using quantitative and qualitative methods. The statistical population included management, deputies, administrative experts, leaders and primary school teachers in Musian district and the sample size determined through Morgan table and census methods (quantitative part) and also using theoretical saturation criterion (qualitative part). The content validity of the questionnaire was confirmed by experts. Also, the reliability of the questionnaire was determined by calculating Cronbach's alpha coefficient through SPSS software, 0.79. Data validity and data based results Approved by participants and peer review after corrections, also given that after retesting and re-coding and determining the degree of agreement of the identifiers, the total reliability has been above 0.70, it can be said that the codes have good reliability. In general, it can be said that the problems of education are related to a range of external and internal aspects such as manpower, educational programs and facilities, culture and geographical conditions, poverty and lifestyle.

Keywords: Elementary education, deprived areas, systematic view, combined study, pattern design.

چکیده: مقاله حاضر با هدف بررسی وضعیت آموزش مناطق محروم با مطالعه موردی منطقه موسیان و با استفاده از روش‌های کمی و کیفی انجام شده است. جامعه آماری شامل مدیریت، معاونین، کارشناسان اداری، راهبران و آموزگاران مقطع ابتدایی منطقه موسیان بود و حجم نمونه از طریق جدول مورگان و سرشماری (بخش کمی) و نیز با استفاده از معیار اشباع نظری (بخش کیفی) تعیین شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و نیز پایایی پرسشنامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ از طریق نرم‌افزار SPSS، ۰/۷۹ تعیین شد. روایی داده‌ها و نتایج داده‌بنیاد از طریق تأیید شرکت‌کنندگان و بررسی همکاران پس از اصلاحات مورد تأیید قرار گرفت. همچنین با توجه به اینکه پس از بازآزمایی و کدگذاری مجدد و تعیین میزان توافق شناسه‌ها پایایی کل بالای ۰/۷۰ بوده است، می‌توان گفت کدگذارها از پایایی مناسبی برخوردارند. در کل، می‌توان گفت مشکلات آموزش و پرورش با طیفی از جنبه‌های بیرونی و درونی از قبیل نیروی انسانی، برنامه‌ها و امکانات آموزش و پرورش، فرهنگ و شرایط جغرافیایی، فقر و سبک زندگی در ارتباط است.

کلیدواژه‌ها: آموزش ابتدایی، مناطق محروم، نگاه سیستمی، مطالعه ترکیبی، طراحی الگو

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

j.shirkarami@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

faghihialireza@yahoo.com

mm.naeni@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

از آغاز دهه ۹۰ میلادی و پس از طرح شعار معروف یونسکو با عنوان آموزش برای همه^۱ (رضایی و سیف، ۱۳۸۵)، بسیاری از کشورها تلاش‌های گسترده‌ای را در جهت تأمین آموزش عمومی فارغ از تبعیض‌های قومی، محلی، نژادی و جنسیتی آغاز نمودند. استقرار نظام توسعه و تحقق عدالت و برابری خود نیز در درازمدت نیازمند و متکی به آموزش و پرورش متعالی و مترقی است. بنابراین، هیچ عاملی اعم از عوامل اقتصادی، منطقه‌ای، اقلیمی، جمعیتی و محلی نباید و نمی‌تواند مانع ارائه خدمات آموزشی مناسب و مطلوب باشد (آقازاده و فضلی، ۱۳۸۴). گسترش شمول جمعیتی آموزش و ارتقای سطح کیفیت نظام آموزشی خصوصاً در مقطع ابتدایی، محور و بستر مناسب رشد و توسعه اقتصادی، کاهش سطح فقر و تقویت سطح رفاه عمومی و موجب تداوم حیات یک جامعه در دنیای رقابتی حاضر می‌باشد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲، ۲۰۱۱)، اما کیفیت و تعالی آموزش و پرورش بدون هماهنگی و همکاری جمعی نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع امکانپذیر نیست.

در مناطق کمتر توسعه‌یافته با توجه به وجود موانع متعدد در حوزه‌های مختلف، به دلیل عدم امکان پوشش کامل تحصیلی، نابرابری و تبعیض مسأله‌ای بارز است. بنابراین بخشی از فراگیران از روند تحصیل خارج می‌شوند و بخش دیگری نیز یا به مقاطع بالاتر وارد نمی‌شوند و یا از انگیزه لازم و الگوهای موفقیت بهره‌مند نیستند. این وضعیت نشان‌دهنده اهمیت دسترسی همگانی به آموزش و پرورش و نیز ضرورت شناسایی و رفع موانع حضور لازم‌التعلیمان، جذب و نگه‌داشت آنها در آموزش و پرورش و تلاش برای بهبود وضع موجود است (فضلی، سیف و کیامنش، ۱۳۸۸). در واقع مناطق محروم با چالش‌ها و مشکلاتی در مورد معلمان، دانش‌آموزان، خانواده‌ها و نیز مسائل مربوط به تشکیل کلاس‌ها و زمان مناسب آموزش، کمبود سرانه آموزش، کمبود وسایل و امکانات کمک آموزشی و مشکلات مربوط به نظارت بر آموزش و کیفیت یادگیری مواجه‌اند. علاوه بر این، معمولاً معلمان مدارس این مناطق آموزش‌های مناسب و مرتبط (در زمینه آموزش مناطق محروم) را دریافت نکرده‌اند

1. Education For All

2. OECD

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
(صمدیان، ۱۳۸۵). مکوسانا و کاپیسا^۱ (۱۳۸۶) علاوه بر مسأله کمبود وقت، عدم تناسب سنی و جنسی دانش‌آموزان، عدم حضور مستمر معلم و دانش‌آموزان در کلاس درس، سطح پایین تجربه آموزشی و نداشتن برنامه و طرح تدریس مناسب را از خصوصیات نواحی محروم دورافتاده و روستایی بر شمرده‌اند.

نتایج سامری و همکاران (۱۳۹۴) مؤید نابرابری و شکاف بین میزان بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی بین مناطق است. بیشترین اختلاف مربوط به شاخص‌های دانش‌آموزی بوده و نتایج پیش‌بینی نیز بر تأثیر عامل اقتصادی بر تشدید نابرابری‌ها تأکید دارد. آتچوارنا و گاسپرینی^۲ (۲۰۰۳) بر نقش آموزش و سرمایه فکری در کاهش فقر و تحقق توسعه و ارائه راهکارهای مناسب در جهت بهبود وضعیت تأکید داشته‌اند. در گزارش آنها استراتژی‌های مربوط به تدریس موضوعات کاربردی محیط زندگی در برنامه مدارس رسمی، توسعه مهارت‌ها و توان رقابت و ارتقای آموزش‌ها همگام با تحولات و تغییرات جدید مورد توجه ویژه قرار گرفته است. گرتلر و شارگروفسکی^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه خود تزریق نوآوری و واگذاری تصمیمات به مردم، کاهش هزینه‌ها و مشکلات ناشی از تصمیمات جمعی، اداره بهتر و ارتقای عملکرد را از نتایج مثبت عدم تمرکز خدمات (از جمله خدمات آموزشی) دانسته‌اند. در حالی که تمرکززدایی همچنین می‌تواند کاهش خدمات و عدم تکمیل و تأمین نیازهای فنی مناطق فقیرنشین را در پی داشته باشد و موجب تداوم محرومیت و بازتولید آسیب‌های موجود در آینده شود. یافته‌های تانری و دیمیر^۴ (۲۰۱۱) نشان داد که مشارکت والدین در امور آموزشی پایین است و نیز درصد بالایی از معلمان در حوزه‌های نامرتبط با تحصیلات خود تدریس می‌کنند. حنان عاطف و مروت مدحت^۵ (۲۰۱۵) روش‌های مؤثر و سبک‌های کارآمد و متنوع شامل آموزش الکترونیکی و تجارب واقعی و طراحی الگوهای متشکل از مفاهیم و روش‌های ترکیبی آموزش و ضرورت جلب نظر و مشارکت سازنده ذی‌نفعان و دریافت‌کنندگان خدمات آموزشی (دانش‌آموزان) و کاهش محدودیت‌های جغرافیایی و

-
1. Mkosana & Kapesa
 2. Atchoarena & Gasperini
 3. Gertler & Schargrofsky
 4. Taneri & Engin-Demir
 5. Hanan Atef & Mervat Medhat

پراکندگی را توصیه می‌کنند. نورلیلا و همکاران^۱ (۲۰۱۸) تمرکز بر روند ارتقا و بهبود عملکرد معلمان، بهبود وضعیت نظارت و راهنمایی، تعامل حاکمیت و جامعه و فعالیت مکمل در ابعاد آموزش رسمی و غیررسمی را مورد تأکید قرار داده‌اند.

در روند توسعه آموزش مشکلات بسیاری رخ داده است که در حوزه‌های وضع موجود کیفیت آموزش، عدالت آموزشی و شکاف بین مناطق و دستورالعمل‌های آینده، توجه ویژه نسبت به برنامه‌ریزی عدالت‌محور در تخصیص امکانات و حمایت اجتماعی را می‌طلبد (لی جیاگو و همکاران، ۲۰۱۹). سبحانی (۱۳۹۹) با تمرکز بر تفاوت در شاخص‌های آموزشی بین مناطق مختلف، ارائه راهکارهای مناسب در جهت پایداری آموزش، افزایش اعتبارات و تقویت فرهنگ آموزش در نواحی محروم را مورد تأکید قرار داده است. خزایی و همکاران (۱۳۹۸) با طرح مسائل استفاده غیرهدفمند از امکانات موجود و افزایش میزان مهاجرت به مناطق برخوردارتر به عنوان مهمترین مشکلات موجود آموزش و پرورش، معتقدند که برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ابعاد آن در حوزه امکانات فیزیکی و فضاهای آموزشی، منابع انسانی و امکانات اقتصادی در روند برنامه آموزشی مدارس و توسعه متوازن آموزشی تأثیر مستقیم و معناداری دارند.

عدالت و برابری آموزشی و توزیع مناسب فرصت‌ها و امکانات از مسائل مهم و تعیین‌کننده در حوزه توسعه آموزشی و رفع محرومیت مناطق است که در حال حاضر فارغ از نوع قومیت، جنس، محل سکونت و ... از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. از دیدگاه بریگهاوس و آنترهالتر^۲ (۲۰۱۰) عدالت آموزشی به معنای توزیع مناسب منابع و فرصت‌های آموزشی به منظور برآورده کردن نیازهای گوناگون دانش‌آموزان است. وقتی اصل تفاوت در نیازهای دانش‌آموزان را بپذیریم پس باید قبول کنیم که منابع هم باید به شکل متفاوت تخصیص یابد. بنابراین عدالت به معنی توزیع برابر منابع نیست و در واقع شاید توزیع برابر منابع برنامه درسی، معلم و زمان یادگیری بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها خود نیز بی‌عدالتی است. با این تفاسیر، دو مبحث عدالت افقی و عدالت عمودی قابل طرح است؛ می‌توان گفت عدالت افقی در آموزش ناظر بر امکانات آموزشی اعم از تعداد معلم، کلاس، صندلی و ... در مناطق شهری

1. Nurlaela Et Al
2. Brighthouse & Unterhalter

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
 و روستایی به نسبت جمعیت است و اما عدالت عمودی، به تفاوت‌های میان افراد مربوط می‌شود. بنابراین تساوی آموزشی به معنای آن نیست که همگان به سطح واحدی از تحصیلات ارتقا یابند؛ زیرا چنین امری به دلیل تفاوت استعدادها، افراد، غیرممکن است. پس معنای تساوی فرصت‌های آموزشی آن است که هیچ‌کس به تناسب هوش و استعدادها و علاقه‌مندی خود، به سبب فقدان امکانات و سایر شرایط غیرفردی، از دست‌یابی به تعلیم و تربیت محروم نماند (پیزا^۱، ۲۰۰۳؛ به نقل از سامری، ۱۳۹۳).



شکل ۱: انواع عدالت آموزشی و روابط آنها

امروزه مطالعه نظام آموزشی و تعیین میزان تحقق نهاده‌ها، سازوکارها و ستاده‌های موجود به خصوص در کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران، ضروری و دارای اهمیت فراوان است و می‌تواند وضعیت سازمان‌های آموزشی را به شکل جامع و کلی روشن سازد (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸). بررسی مداوم وضع موجود آموزش یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و نگاه سیستمی مستلزم بررسی جامع وضع موجود آموزش و پرورش، تشخیص نقاط ضعف و برنامه‌ریزی برای اصلاح کمبودها و نواقص است. اجزای اصلی در هر سیستم به طور عام و در آموزش و پرورش به طور خاص عبارتند از ورودی یا درونداد^۲، پردازش یا فرآیند^۳، خروجی یا برونداد^۴، بازخورد^۵ و جزء بیرونی^۶. ورودی‌ها داده‌هایی هستند که وارد سیستم می‌شوند و تداوم حیات آن را ممکن می‌سازند. فرآیندها ناظر بر تغییر و تحولات ورودی‌هاست. منظور از

1. PISA
2. Input
3. Process
4. Output
5. Feedback
6. Environment

خروجی‌ها، محصولات و خدمات سیستم است و بازخوردها هم به تحلیل نتایج و وضعیت خروجی‌ها و اصلاح سیستم اشاره دارند. همچنین عوامل محیطی با سیستم کنش و واکنش دارند یعنی هم بر سیستم اثر می‌گذارند و هم از سیستم اثر می‌پذیرند.

همچنان که اشاره شد، ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب و تضمین دسترسی گروه سنی مربوط به آموزش ابتدایی با کیفیت از رسالت‌های نظام آموزشی کشور است (فضلی، سیف و کیامنش، ۱۳۸۸)، بنابراین شناخت کمبودها و کاستی‌های مرتبط با آموزش از زوایای مختلف و تلاش برای استفاده بهینه از منابع موجود و به‌کارگیری ظرفیت‌ها، تقویت اراده‌ها و بهبود عملکردها و برنامه‌ها در راستای تحقق توسعه آموزشی، از اهمیت ویژه‌ای در مسیر رشد و ترقی آموزش و پرورش برخوردار می‌باشد.

محل مورد مطالعه در این پژوهش منطقه موسیان می‌باشد که در محدوده شهرستان دهلران (استان ایلام) واقع است و از نظر جغرافیایی، در جنوب غربی کشور و در مرز با کشور عراق قرار دارد. بیشتر جمعیت این منطقه در نواحی پراکنده و کم‌جمعیت روستایی زندگی می‌کنند و در مشاغل دامپروری و کشاورزی فعالیت دارند. طبق مطالعات انجام شده استان ایلام از نظر توسعه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، به طوری که در بین ۱۶ استان مرزی کشور، این استان در رتبه شانزدهم قرار دارد و در بین چهار سطح توسعه یافته (۱)، نیمه توسعه یافته (۲)، کمتر توسعه یافته (۳) و محروم (۴)، در سطح محروم قرار گرفته است (سجادیان و اکرامی، ۱۳۹۵). همچنین نتایج پژوهش شیرکرمی و بختیارپور (۱۳۹۳) در زمینه نابرابری آموزشی در سطح شهرستان دهلران، نشان داد که از بین سطوح پنج‌گانه بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی، منطقه موسیان (بدون نواحی روستایی) در سطح محروم قرار دارد. پژوهش حاضر به منظور مشخص نمودن وضع موجود آموزش ابتدایی در منطقه موسیان و ارائه الگوی مناسب آن انجام شده است. بر اساس منابع مطالعاتی و تدوین پرسشنامه وضعیت آموزش به تعیین وضعیت موجود پرداخته و در ادامه با کسب دیدگاه‌های تجربی، الگوی مناسب در راستای ارتقای وضعیت توسعه آموزشی طراحی و اعتباریابی خواهد شد. انتظار می‌رود که ترسیم وضع موجود و ارائه الگوی مناسب، زمینه بهبود وضعیت آموزش در این منطقه را فراهم سازد. پرسش‌های اساسی پژوهش عبارتند از:

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

- وضع موجود آموزش ابتدایی (درونداد، فرایند، برونداد و عوامل محیطی) در منطقه مورد مطالعه چگونه است؟

- الگوی متناسب برای آموزش ابتدایی منطقه مورد مطالعه چیست و اعتبار آن چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و با استفاده از شیوه‌های ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است؛ با توجه به واقع شدن منطقه مورد مطالعه در نواحی محروم و مشکلات آموزشی و محیطی بدیهی و قابل مشاهده از جنبه‌های بیرونی و درونی (برنامه‌ها و امکانات، شرایط جغرافیایی، فقر و سبک زندگی و ...)، پس از بررسی‌ها و مطالعات مقدماتی ابتدا با شیوه توصیفی - کمی (پیمایشی) به تعیین وضعیت موجود آموزش و پرورش مقطع ابتدایی در منطقه مورد مطالعه از جنبه‌های دروندادی، فرایندی، بروندادی و محیطی پرداخته و سپس با شیوه کیفی - داده‌بنیاد نسبت به استخراج یافته‌ها و ارائه الگوی متناسب (وضع موجود- راهبردها) اقدام شده است.

در بخش کمی پژوهش، یک پرسشنامه و یک مصاحبه سازمان‌یافته در مورد وضعیت عوامل دروندادی، فرایندی و بروندادی و نیز عوامل بیرونی (محیط)، تهیه و اجرا می‌شود و داده‌ها و اطلاعات مربوط به نیروی انسانی، فضا و تجهیزات و ... به کمک آمار توصیفی (فراوانی و درصد) مطرح و مورد تحلیل قرار می‌گیرد. وضعیت نشانگرهای پرسشنامه ابتدا در پنج گزینه شامل ۱. کاملاً نامناسب، ۲. نامناسب، ۳. نسبتاً مناسب، ۴. مناسب و ۵. کاملاً مناسب بررسی شده و سپس بر اساس میانگین داده‌ها، نشانگرها در ۳ مورد نامناسب (۱ تا ۲/۳۳)، نسبتاً مناسب (۲/۳۴ تا ۳/۶۶) و مناسب (۳/۶۷ تا ۵) مورد قضاوت نهایی قرار می‌گیرند. روش پیمایشی یکی از تحقیقات توصیفی است که بررسی دانش‌ها، عقاید و نگرش‌ها و توضیح جنبه‌های مختلف داده‌ها و اطلاعات گردآوری شده را امکانپذیر می‌سازد. در تحقیقات توصیفی، «آنچه هست» و «وضع موجود» مورد مطالعه قرار می‌گیرد (حسن‌زاده، ۱۳۹۲). تعداد کل آموزگاران در منطقه مورد مطالعه ۱۴۰ نفر بوده‌است و بر اساس جدول مورگان، حجم نمونه مناسب و متناظر با حجم جامعه ۱۰۳ تعیین شد. همچنین به دلیل پایین بودن آمار جامعه در مورد مدیریت، معاونین (۳ معاون) و کارشناس آموزش ابتدایی، حجم نمونه به شیوه سرشماری تعیین شده‌است که جمعاً ۵ نفر بودند. به منظور تحلیل داده‌های حاصل از روش

پیمایشی از ابزارهای آمار توصیفی نظیر فراوانی، میانگین و وزن‌دهی (ارزشگذاری) گزینه‌ها استفاده شده است و در نهایت، خلاصه نتایج مربوط به داده‌ها و اطلاعات در جداول مناسب مطرح گردید. جهت محاسبه امتیاز و تعیین وضعیت عوامل و ملاک‌ها، پس از ضرب ارزش‌های عددی در تعداد پاسخ‌ها، حاصل کلی (جمع نتایج) بر تعداد کل پاسخ‌ها تقسیم شد. با بهره‌گیری از نظر متخصصان و اساتید با تجربه و ارجاع سؤالات به ایشان و تعیین تناسب و جامعیت آنها، روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت و میانگین پایایی^۱ پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار SPSS، ۰/۷۹ محاسبه شد و با توجه به اینکه این رقم بالاتر از ۰/۷+ می‌باشد، پایایی پرسشنامه قابل قبول بوده و مورد تأیید است. روایی و پایایی مصاحبه سازمان‌یافته از طریق روایی محتوایی و ضریب توافق محاسبه شده است. روایی محتوای مصاحبه پس از دریافت نظرات سه نفر از کارشناسان و متخصصان و اصلاح مجدد، مورد تأیید نهایی قرار گرفت. پایایی پرسش‌های مصاحبه نیز با استفاده از ضریب توافق، ۰/۷۶ برآورد شد.

پژوهش کیفی با درک و تبیین همراه است و در رویکردهای قیاسی و استقرایی قابل انجام است. این پژوهش به تولید یافته‌های جدید در حیطه مطالعاتی می‌انجامد. پژوهش کیفی و روش انجام آنها در نتیجه تغییر تمرکز پژوهشگران از کمیت به ذهنیت، مورد توجه قرار گرفت (هوسرل، ۱۳۸۶). نظریه داده‌بنیاد یا گراند تئوری^۲ در سال ۱۹۹۰ توسط استراوس و کوربین^۳ مطرح شد؛ از نظر آنها در شیوه کیفی - استقرایی، محقق با ورود به حوزه مطالعه و گردآوری داده‌ها و روابط به سمت تشکیل نظریه حرکت می‌کند (پورسلیم و همکاران، ۱۳۹۶). در بخش داده‌بنیاد، جامعه عبارت است از آموزگاران و راهبران آموزشی شاغل در آموزش و پرورش منطقه موسیان. حجم نمونه مناسب در شیوه کیفی - داده‌بنیاد با استفاده از معیار اشباع نظری ۱۴ نفر تعیین شد. استراوس و کوربین (۱۳۸۵) اشباع نظری را مرحله‌ای می‌دانند که در آن در ارتباط با مقوله مورد نظر، داده‌های جدیدی به دست نیاید و در واقع روابط مورد قبول و تأیید قرار گرفته است (جاویدمهر و همکاران، ۱۳۹۷)، بنابراین با هدف دستیابی به نمونه‌های

۱. آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی کل پرسشنامه به کار نمی‌رود و بنابراین ابتدا پایایی بخش‌های درون‌داد، فرایند، برونداد و عوامل محیطی جداگانه محاسبه و سپس میانگین بخش‌های مختلف محاسبه شده است.

2. Grounded Theory

3. Strauss & Corbin

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
 غنی و دارای اطلاعات ارزشمند، با استفاده از معیار اشباع نظری تا پایان دیدگاه‌ها و یافته‌های جدید، به صورت هدفمند^۱ انتخاب نمونه‌های دیگر ادامه یافت. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی، ابتدا به توصیف و بازخوانی و تحلیل سند و محتوا پرداخته و سپس به استخراج گزاره‌ها، کدگذاری و مفهوم‌سازی پرداختیم. مایرینگ^۲ (۲۰۰۶) مراحل تعریف واحد تحلیل (کلمه، جمله و پاراگراف)، کاهش داده‌ها، مقوله‌بندی، اصلاح، طرح‌بندی و گزارش داده‌ها و یافته‌ها را در تحلیل محتوای کیفی پیشنهاد داده است (تیغ‌بخش و همکاران، ۱۳۹۶). اعتباریابی الگو بر اساس روش‌های کرسول (۱۳۹۴) و کواله^۳ (۱۹۹۶) تعیین شده است. کرسول، به منظور تعیین روایی پژوهش کیفی الف- تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان^۴ (سه نفر): برای اطمینان از یافته‌ها و تفاسیر؛ ب- بررسی همکاران^۵ (سه نفر): یعنی بررسی دقیق روش و تفاسیر توسط اساتید متخصص را پیشنهاد داده است. همچنین بر اساس روش کواله (۱۹۹۶) برای محاسبه پایایی بازآزمایی، از بین مصاحبه‌ها چند مصاحبه انتخاب و هر یک در دو فاصله زمانی مشخص (کوتاه) دو بار شناسه‌گذاری شده و سپس شناسه‌ها (یا کدها) با هم مقایسه می‌شوند و در واقع میزان توافق شناسه‌ها به عنوان ثبات شناسه‌گذاری (یا ثبات کدگذاری) به کار می‌رود (بابایی فارسانی و همکاران، ۱۳۹۷). تایح محاسبه پایایی بازآزمایی در فواصل کوتاه و نیز پایایی کدگذاران (شناسه‌گزاران) و میزان توافق آنها در حد مناسب (۰/۷+) ارزیابی شد.

جدول ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

کد مصاحبه شونده	سن	جنس	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه کاری
۱	۴۸	مرد	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۲
۲	۴۱	مرد	کارشناسی	ادبیات فارسی	۱۲
۳	۴۰	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت آموزشی	۲۱
۴	۳۸	مرد	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۳
۵	۴۱	مرد	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۷

۱. برای تسهیل روند انتخاب هدفمند نمونه‌ها، با شیوه گلوله برفی یعنی معرفی نمونه‌های مناسب (که شرایط لازم را دارا می‌باشند)، از طریق مشارکت‌کنندگان در پژوهش انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به مرحله اشباع یافته‌ها ادامه می‌یابد.

2. Mayring
3. Kvale
4. Member Checking
5. Peer Debriefing

کد مصاحبه شونده	سن	جنس	سطح تحصیلات	رشته تحصیلی	سابقه کاری
۶	۵۲	مرد	کارشناسی	آموزش ابتدایی	۲۹
۷	۳۹	زن	کارشناسی ارشد	برنامه‌ریزی آموزشی	۱۴
۸	۲۷	مرد	کارشناسی	علوم تربیتی	۸
۹	۴۶	مرد	کارشناسی	راهنمایی و مشاوره	۲۴
۱۰	۳۰	مرد	کارشناسی ارشد	جامعه‌شناسی	۱۰
۱۱	۴۶	زن	کارشناسی	راهنمایی و مشاوره	۲۱
۱۲	۳۷	مرد	دکتری	برنامه‌ریزی درسی	۵
۱۳	۴۳	زن	کارشناسی	علوم تربیتی	۱۹
۱۴	۳۶	مرد	کارشناسی ارشد	روانشناسی تربیتی	۹

در جدول شماره ۱ مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در بخش مصاحبه داده‌بنیاد مطرح شده است. مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند از بین آموزگاران و راهبران آموزشی با بیش از ده سال کار تجربی و نیز آموزگاران دارای تحصیلات تکمیلی انتخاب شدند.



شکل ۲: اجزا و بخش‌های پژوهش

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

یافته‌ها

الف- یافته‌های کمی

وضع موجود آموزش ابتدایی (درونداد، فرایند، برونداد و عوامل محیطی) در منطقه مورد مطالعه چگونه است؟

جدول ۲: خلاصه نتایج وضعیت عوامل دروندادی، فرایندی، بروندادی و محیطی

طیف قضاوت		میانگین	نشانگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً مناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا			
۵ تا	۲/۳۴	۲/۳۳			
	۳/۶۶				
✓		۳/۲۳	قابلیت حصول و دست‌یافتنی بودن اهداف آموزش دوره ابتدایی	۱	درونداد
✓		۳/۰۳	تناسب قوانین و مقررات و سیاست‌های تدوین شده برای آموزش ابتدایی	۲	
✓		۳/۲۰	تأثیر منابع انسانی، اعم از بخش اداری- خدماتی و آموزشی در پیشبرد اهداف نظام آموزش ابتدایی	۳	
✓		۲/۳۳	وضعیت توزیع نیروی انسانی آموزش و پرورش ابتدایی بین نواحی مختلف	۴	
✓		۳/۱۸	میزان تناسب نسبت دانش‌آموز به معلم در آموزش ابتدایی	۵	
✓		۲/۹۲	میزان تناسب مدرک تحصیلی، سوابق و تجارب کاری آموزگاران آموزش ابتدایی	۶	
✓		۲/۱۳	وضعیت حضور مستمر دانش‌آموزان پسر آموزش ابتدایی در مدارس	۷	
✓		۲/۷۶	وضعیت حضور مستمر دانش‌آموزان دختر آموزش ابتدایی در مدارس	۸	
✓		۲/۶۶	تعداد و درصد دانش‌آموزان کلاس‌های تک پایه نسبت به کل دانش‌آموزان	۹	

طیف قضاوت			میانگین	نشانگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً مناسب	نامناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا				
۵ تا	۲/۳۴ تا	۲/۳۳				
	۳/۶۶					
	✓	۲/۱۷	تناسب منابع مالی و اعتبارات (اعتبارات دولتی، کمک‌های مردمی و ...) در آموزش ابتدایی	۱۰		
	✓	۲/۲۳	میزان اعتبارات و تسهیلات رفاهی اختصاص یافته به معلمان آموزش ابتدایی	۱۱		
	✓	۲/۱۶	میزان اعتبارات تخصیص یافته به فعالیت‌های پرورشی و پژوهشی آموزش ابتدایی	۱۲	درونداد	
	✓	۲/۹۶	میزان تناسب کمی امکانات و فضاهای آموزشی با نیازهای موجود در آموزش ابتدایی	۱۳		
	✓	۲/۲۸	وضعیت تناسب کیفی امکانات و فضاهای آموزشی در آموزش ابتدایی	۱۴		
	✓	۲/۳۰	میزان تناسب تعداد میز و صندلی، رسانه‌های سمعی و بصری و وایت‌برد با نیازهای آموزش ابتدایی	۱۵		
	✓	۲/۵۳	میزان تناسب نور و تهویه، وسایل سرمایشی و گرمایشی با نیازهای آموزش ابتدایی	۱۶		
	✓	۲/۵۸	میزان تناسب کمی و کیفی ساختمان آموزشی، کتابخانه و آزمایشگاه در آموزش ابتدایی	۱۷		
	✓	۲/۳۰	میزان تناسب سرانه فضای آموزشی، مکان‌های ورزشی و نمازخانه در نواحی مختلف	۱۸		
	✓	۲/۱۷	وضعیت توزیع امکانات و فضای آموزشی در نواحی مختلف به نسبت جمعیت	۱۹		

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

طیف قضاوت			میانگین	نشانهگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً مناسب	نامناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا	۲/۷۶	میزان رعایت نیازها و تفاوت‌ها (اقلیت‌ها و عشایر و ...) در توزیع امکانات و منابع آموزش ابتدایی	۲۰	
۵ تا	۲/۳۴ تا	۲/۳۳	۲/۷۷	میزان دسترسی کارکنان و دانش‌آموزان به فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش ابتدایی	۲۱	
۳/۶۶			۳/۲۰	میزان تناسب محتوا و مواد آموزشی با نیازهای محلی	۲۲	
✓	✓	۳/۴۳	۳/۴۳	وضعیت تنوع، انعطاف و توجه به تفاوت‌های فردی در تدریس آموزگاران	۱	
✓	✓	۳/۰۳	۳/۰۳	میزان استفاده از روش‌های نوین یاددهی - یادگیری در تدریس آموزگاران	۲	
✓	✓	۳/۵۰	۳/۵۰	وضعیت تخصص و تسلط بر محتوای آموزشی و مهارت‌های تدریس آموزگاران	۳	فرایند
✓	✓	۳/۷۵	۳/۷۵	میزان رعایت سرفصل‌ها در آموزش و تدریس آموزگاران	۴	
✓	✓	۲/۳۳	۲/۳۳	میزان علاقه و انگیزش و پشتکار معلمان آموزش ابتدایی در حین فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌ای	۵	
✓	✓	۲/۳۰	۲/۳۰	وضعیت استفاده و کاربرد تکنولوژی آموزشی (فناوری و رسانه‌ها) در فرایند تدریس آموزگاران	۶	
✓	✓	۳/۲۳	۳/۲۳	میزان توجه به طراحی اتوماسیون و سیستم نظارت، تجزیه و تحلیل و مدیریت مؤسسات آموزشی در نواحی مختلف	۷	

طیف قضاوت			میانگین	نشانگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً	نامناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا				
۵ تا	۲/۳۴ تا	۲/۳۳				
	۳/۶۶					
✓			۳/۵۰	وضعیت تناسب و همسویی عملکرد کارکنان در جهت دستیابی به اهداف درسی آموزش ابتدایی	۸	
✓			۴/۳۳	تأثیر فعالیت‌های انجمن اولیاء و مربیان و شوراهای مدرسه در بهبود وضعیت آموزش ابتدایی	۹	
		✓	۲/۲۸	میزان توجه به فعالیت‌های علمی- فرهنگی، هنری، پرورشی، تربیتی، دینی و ... در راستای بهبود وضعیت آموزش ابتدایی	۱۰	فرایند
		✓	۲/۱۶	وضعیت تناسب آموزش‌های ضمن خدمت کادر آموزشی و مدیریتی	۱۱	
		✓	۲/۳۰	میزان یاری و مدد مادی و معنوی سازمان از اعضای خود	۱۲	
		✓	۲/۷۷	میزان همکاری و هماهنگی و حمایت اعضای سازمان از یکدیگر	۱۳	
		✓	۲/۱۷	وضعیت تأمین مواد آموزشی و رفاه و آسایش کارکنان و راه‌اندازی، تعمیر و نگهداری فضا، تجهیزات و تأسیسات ضروری آموزش ابتدایی	۱۴	
		✓	۲/۳۳	میزان توجه به تفاوت‌ها و نیازهای فراگیران به تفکیک جنس در آموزش ابتدایی	۱۵	
		✓	۲/۹۶	میزان توجه به مهارت‌های ضروری، تغذیه و بهداشت و ... در محتوای آموزشی دوره ابتدایی	۱۶	

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

طیف قضاوت			میانگین	نشانهگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً مناسب	نامناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا	۳/۴۰	وضعیت عملکرد کمی و کیفی دانش‌آموزان ابتدایی	۱	
۵ تا	۲/۳۴ تا	۳/۶۶				
✓			۳/۵۹	وضعیت عملکرد تکوینی و تراکمی دانش‌آموزان ابتدایی	۲	
		✓	۲/۳۳	سطح مهارت‌های گوناگون دانش‌آموزان در دوره آموزش ابتدایی	۳	برونداد
✓			۳/۰۳	میزان تحقق اهداف آموزشی موجود در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی استراتژیک دوره ابتدایی	۴	
		✓	۲/۱۱	وضعیت تناسب و همسویی آموزش و یادگیری با جنبه‌های مختلف زندگی کودکان (فراگیران) و سواد برای زیستن و کاربرد آموخته‌ها در زندگی	۵	
✓			۲/۹۶	میزان ارتقاء و تعالی نگرش، مهارت و خلاقیت دانش‌آموزان	۶	
✓			۳/۵۹	میزان تحقق اهداف اجتماعی و فرهنگی و ارتقای آگاهی و دانش عمومی دانش‌آموزان	۷	
✓			۳/۲۸	وضعیت رعایت بهداشت جسمی و ارتقای سطح بهداشت روانی دانش‌آموزان	۸	
✓			۳/۴۰	وضعیت سواد ارتباطی (کلامی و رفتاری) و نیز رعایت اصول شهروندی، مسئولیت‌پذیری، انجام وظایف و تکالیف دانش‌آموزان	۹	
✓			۳/۷۵	میزان مشارکت و حمایت دانش‌آموزان از برنامه‌های مالی خانواده	۱۰	

طیف قضاوت		میانگین	نشانگر	ردیف	عوامل
مناسب	نسبتاً مناسب				
۳/۶۷	مناسب	۱ تا			
۵ تا	۲/۳۴ تا	۲/۳۳			
	۳/۶۶				
	✓	۲/۱۷	وضعیت مشارکت و ایفای نقش مؤثر دانش‌آموزان در آموزش و پرورش خانواده	۱۱	
	✓	۳/۵۰	میزان کسب دانش لازم و مهارت‌های رشد انسانی دانش‌آموزان برای کمک به آنها در ایجاد عادات، ارزش‌ها و پرورش منطق و تقویت مهارت‌های تفکر انتقادی (برای حال و آینده)	۱۲	
	✓	۳/۲۸	تأثیر محیط فرهنگی (سیر فرهنگ و آداب و سنن) بر مشارکت و ارتقای سطح کمی و کیفی آموزش ابتدایی	۱	محیط
	✓	۲/۱۳	دیدگاه والدین نسبت به آموزش و پیگیری وضعیت تحصیل فرزندان	۲	
	✓	۲/۱۱	تأثیر محیط جغرافیایی (شرایط اقلیمی و آب و هوا، اوضاع طبیعی و ...) بر تحقق اهداف و مقاصد آموزش ابتدایی	۳	
	✓	۲/۲۸	وضعیت راه‌ها و حمل و نقل و تدارکات اداری مرتبط با آموزش ابتدایی	۴	
	✓	۲/۱۶	تأثیر محیط اقتصادی (امکانات مالی و رفاهی، وضعیت اقتصادی و درآمدی، اشتغال و ...) بر روند بهبود کمی و کیفی آموزش ابتدایی	۵	
	✓	۲/۹۶	وضعیت دسترسی مردم منطقه به مسکن، شغل، درآمد و بهداشت مناسب	۶	
	✓	۲/۳۰	میزان استفاده از ظرفیت‌های موجود و جذب مشارکت محلی و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط در آموزش و پرورش ابتدایی	۷	

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

بررسی نتایج نشان می‌دهد که وضعیت عوامل دروندادی نظیر توزیع نیروی انسانی، منابع مالی و اعتبارات و تسهیلات رفاهی اختصاص یافته به معلمان و نیز وضعیت کمی و کیفی امکانات و فضاهای آموزشی نامناسب یا نامطلوب است. در مورد عوامل فرایندی، میزان استفاده و کاربرد تکنولوژی آموزشی (فناوری و رسانه‌ها) در تدریس آموزگاران، میزان توجه به فعالیت‌های علمی- فرهنگی، هنری، پرورشی، تربیتی، دینی و آموزش‌های ضمن خدمت کادر آموزشی و مدیریتی از تناسب لازم برخوردار نیست. همچنین تنوع، انعطاف و تفاوت‌های فردی در تدریس آموزگاران آموزش ابتدایی در سطح مناسب (یا مطلوب) قرار ندارد. بررسی نتایج مربوط به عوامل برون‌دادی نشان داد که سطح مهارت‌های گوناگون دانش‌آموزان، وضعیت عملکرد کمی و کیفی دانش‌آموزان ابتدایی و در کل میزان تحقق اهداف آموزشی و ارتقاء و تعالی دانش، مهارت، نگرش و خلاقیت دانش‌آموزان در سطح مناسب و مطلوبی قرار ندارد. وضعیت عواملی محیطی از قبیل تأثیر محیط جغرافیایی (شرایط اقلیمی و اوضاع طبیعی)، راه‌ها و حمل و نقل، تأثیر محیط اقتصادی (امکانات مالی و رفاهی، درآمد و اشتغال) و همچنین تأثیر محیط فرهنگی (سیر فرهنگ و آداب و سنن) بر روند بهبود کمی و کیفی آموزش ابتدایی منفی بوده است.

همچنین نتایج حاصل از بخش دروندادی در مصاحبه سازمان‌یافته نشان داد که وضعیت کمی و کیفی ساختمان و محیط‌های آموزشی دوره ابتدایی، منابع مالی و اعتبارات تخصیص داده شده به آموزش ابتدایی و میزان دسترسی نواحی مختلف به تجهیزات آموزشی لازم در سطح نامطلوب (نامناسب) قرار دارد. نتایج حاصل از بخش فرایندی نشان داد که میزان توجه به نیازها و تفاوت‌های فردی و تنوع در آموزش و تدریس، میزان رعایت سرفصل‌ها و اهمیت آموزگاران به مسأله طرح درس و ... در سطح نامطلوب قرار دارد. نتایج مربوط به بخش برون‌دادی نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب دانش‌آموزان از نظر سطح مهارت‌های گوناگون شناختی، عاطفی و نگرشی و میزان تحقق اهداف متناظر می‌باشد. در بخش محیطی، تأثیر شرایط اقلیمی و جغرافیایی، فرهنگ بومی و نوع نگاه به آموزش، ظرفیت‌های مالی موجود و جذب مشارکت محلی در آموزش در سطح نامطلوب قرار دارد.

ب- یافته‌های کیفی (داده‌بنیاد)

الگوی متناسب برای آموزش ابتدایی منطقه مورد مطالعه چیست و اعتبار آن چگونه است ؟

در بخش داده‌بنیاد، پس از بررسی و بازخوانی متن مصاحبه‌ها و استخراج گزاره‌ها و مقوله‌های مرتبط و متناسب، در نهایت مقوله‌های استخراج شده در مشخصه‌های مدل پارادایمی شامل شرایط علی^۱، زمینه‌ای^۲، مداخله‌ای^۳، راهبردها^۴ و پیامدها^۵ دسته‌بندی شدند. از نظر استراوس و کوربین (۲۰۰۸) شرایط علی به شرایطی گفته می‌شود که به عنوان عامل یا عاملان اصلی، پدیده مورد مطالعه را به وجود می‌آورد. پدیده محوری حادثه یا اتفاقی است که یک سلسله کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد. شرایط زمینه‌ای شامل یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده‌ای دلالت می‌کند و با وقایعی مرتبط است که طی آنها کنش متقابل برای تأثیر بر پدیده رخ می‌دهد. شرایط مداخله‌گر عوامل کلی و گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که کنش متقابل و چگونگی کنش با پدیده را متأثر می‌سازند. راهبردها، به مواجهه با پدیده و ارائه راه‌حلی برای آن اشاره دارد. پیامدها، نتیجه اقدامات و واکنش و بازخوردهایی است که در مورد پدیده انجام شده است (رحمانیان کوشکی و همکاران، ۱۳۹۸).

پدیده محوری

در فرایند کدگذاری، پدیده عبارت است از «محرومیت آموزشی». این پدیده را می‌توان هسته مرکزی یافته‌ها و داده‌ها (کدگذاری) در نظر گرفت. محرومیت آموزشی پدیده‌ای است که دارای ابعاد و جنبه‌های مختلف و چندوجهی است و در هر منطقه و برای هر فرد نمود و یا نمودهایی از آن قابل مشاهده و درک است. با توجه به متن مصاحبه‌ها و بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر می‌توان گفت کمبود و ضعف امکانات آموزشی و توزیع نابرابر امکانات موجود، ضعف کیفیت و ناکافی بودن مساحت و محیط ساختمان‌های آموزشی و نیز طراحی نامناسب فضاهای آموزشی، دورافتادگی نواحی، کیفیت نامناسب مسیرهای ارتباطی، فقر مالی مردم و محرومیت منطقه از مواردی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم با محرومیت آموزشی منطقه مورد مطالعه در ارتباط است که در نتیجه افت انگیزه تحصیل، نابرابری و شکاف آموزشی و نزول کیفیت آموزش دور از انتظار نیست.

-
1. Causal Conditions
 2. Context Conditions
 3. Intervening Conditions
 4. Strategies
 5. Consequences

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
 ضعف در عرصه امکانات آموزشی و عدم توزیع مناسب امکانات موجود (شرکت‌کننده شماره ۱)؛ مساحت محدود ساختمان‌های آموزشی و نیز فرسودگی آنها و عدم رعایت نیازهای فیزیکی و روانی دانش‌آموزان در طراحی محیط آموزشی (شرکت‌کننده شماره ۳)؛ دورافتادگی نواحی و کیفیت نامناسب جاده‌ها و مسیرهای ارتباطی مدارس (شرکت‌کننده شماره ۶)؛ شدت مشکلات موجود در مناطق محروم و فقر مالی و نیز آموزش متمرکز و نامرتبط با نیازهای محلی و مشارکت و حمایت محدود مردم از آموزش و پرورش فرزندان خود (شرکت‌کننده شماره ۸) از مهمترین مصادیق محرومیت آموزشی می‌باشند.

جدول ۳: نتایج کدگذاری باز و مقوله‌های محوری در بخش داده‌بنیاد

مقوله‌ها	یافته‌ها
سطح سواد پایین	مردم منطقه از سطح سواد پایینی برخوردارند و اهمیت چندانی برای آموزش و یادگیری قائل نیستند (شرکت‌کننده شماره ۷).
شرایط علی	کودکان بخش قابل توجهی از روز خود را به کار و مشارکت در دامپروری و کشاورزی اختصاص می‌دهند (شرکت‌کننده شماره ۷).
دورافتادگی و توسعه نیافتگی	توسعه‌نیافتگی و فراهم نبودن زمینه اشتغال و استفاده از منافع سواد، عدم استقبال از آموزش را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۹).
	فقر و محرومیت منشأ تمام مشکلات در مناطق محروم است و عدم برنامه‌های توسعه‌زا به تشدید و تداوم محرومیت منجر می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۱۲).
بودجه ناکافی برای عمران و توسعه منطقه‌ای	مسئولان و سازمان‌های دولتی و خصوصی در مناطق دورافتاده و روستایی منطقه سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و آوازه و انگیزه برای تخصیص اعتبارات لازم را ندارند (شرکت‌کننده شماره ۶).
توزیع منابع انسانی و مالی	گذشته از وجود نواقص و کمبودهای انسانی و سرمایه‌ای، توزیع منابع انسانی و امکانات موجود نیز متوازن و عادلانه نیست (شرکت‌کننده شماره ۳ و شرکت‌کننده شماره ۱۱).
	آموزش و پرورش همواره با تخصیص بودجه ناکافی برای بهبود شرایط محیط مدرسه و کلاس درس فیزیکی و عدم پیگیری لازم برای رفع این کمبودها مواجه است (شرکت‌کننده شماره ۷ و شرکت‌کننده شماره ۹).
فرهنگ، طرز فکر و سبک زندگی	با توجه به نوع نگاه سنتی متأثر از شرایط و مقتضیات گذشته و تمرکز بر مسائل اقتصادی و معیشتی، امور تحصیلی بچه‌ها برای والدین در اولویت قرار ندارد (شرکت‌کننده شماره ۱۰).



مقوله‌ها	یافته‌ها
جذب و آموزش نیروی انسانی	در جذب و توزیع نیروی آموزشی مسائلی نظیر بومی گزینی و دوزبانه بودن معلمان و نیز علاقه و رضایت آنان برای کار آموزشی در منطقه محل خدمت در نظر گرفته نمی‌شود (شرکت‌کننده شماره ۱۰).
شرایط زمینه ای	در آموزش‌های دانشگاهی و نیز دوره‌های آمادگی و ضمن خدمت، نیازهای محلی و انتقال تجارب مرتبط مد نظر قرار ندارد (شرکت‌کننده شماره ۲).
کمیت و کیفیت نیروی انسانی	توسعه نیروی انسانی در ابعاد کمی و کیفی مورد غفلت قرار گرفته و خلأها، نوآوری‌ها و ابتکارات آموزگاران در آموزش و پرورش در اولویت قرار ندارند (شرکت‌کننده شماره ۴).
محیط و فضاهای آموزشی	کمبود فضای آموزشی و عدم تهیه و توزیع امکانات مناسب، عدم سازگاری دانش‌آموزان، افت تحصیلی و نزول کیفیت آموزش و یادگیری را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۸).
ارتباط مدرسه و مربیان با اولیا	برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزش خانواده و هم‌افزایی ظرفیت‌های محلی برای رفع مشکلات و تعالی آموزش و پرورش از جایگاه مناسبی برخوردار نیست (شرکت‌کننده شماره ۵ و شرکت‌کننده شماره ۶).
وضعیت شغلی و درآمدی معلم	بسیاری از معلمان نواحی محروم و دورافتاده امنیت شغلی ندارند و درآمد آنها با فشار کاری و هزینه‌هایی که متقبل می‌شوند تناسب ندارد (شرکت‌کننده شماره ۵).
سیاست‌های مالی نامناسب	سیاست‌ها و اولویت‌های تخصیص بودجه و منابع مالی از توازن لازم برخوردار نیست و بسیاری از نیازهای آموزشی نواحی محروم و دورافتاده تأمین نمی‌شود (شرکت‌کننده شماره ۲).
سیستم برنامه‌ریزی و نظارت	سیاست‌های آموزشی و نیز شیوه‌های اجرای برنامه درسی و فعالیت‌های یاددهی و یادگیری هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت تناسب و کارایی لازم را دارا نمی‌باشند (شرکت‌کننده شماره ۵ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).
معیارهای تشویقی	روش‌های آموزش و تدریس کارآمد با بهره‌گیری از انگیزه، ابتکار و ظرفیت‌های موجود مورد استقبال نیست (شرکت‌کننده شماره ۱۰).
معیارهای تشویقی	معیارهای تشویقی و تخصیص پاداش به معلمان مناسب و عادلانه نیست و توانمندی‌ها، شایستگی و ابتکارات معلمان مورد غفلت قرار دارد و نادیده گرفته می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۱۱).
ناهمسویی آموزش‌ها	با توجه به مسأله دوزبانه‌گی و نیز تفاوت نیازها، عدم تطابق آموزش‌های رسمی درون مدرسه با محیط محلی و خانوادگی یکی از عوامل افت کیفیت و محرومیت آموزشی است (شرکت‌کننده شماره ۱).

مقوله‌ها	یافته‌ها
	<p>ناهمگونی فراگیران چندپایه و مختلط بودن دانش‌آموزان و به تبع تفاوت‌های سنی، اخلاقی و روانی دانش‌آموزان از مشکلات موجود در آموزش ابتدایی منطقه مورد مطالعه است (شرکت‌کننده شماره ۱ و شرکت‌کننده شماره ۴).</p>
شرایط مداخله‌ای	<p>طراحی آموزشی آموزش و پرورش در تهیه برنامه‌های منسجم و نیز تهیه درسنامه، طرح درس و مدیریت زمان با مشکلات فراوانی روبرو است و تا شرایط آرمانی راه درازی در پیش دارد (شرکت‌کننده شماره ۲).</p>
	<p>تجربه و تخصص آموزگار معلمانی که به نواحی محروم فرستاده می‌شوند، آموزش لازم را در مورد ویژگی‌ها و چگونگی آموزش در این نواحی دریافت نکرده‌اند (شرکت‌کننده شماره ۳ و شرکت‌کننده شماره ۱۱).</p>
	<p>مشارکت و فعالیت شرکت آموزگاران و دانش‌آموزان در برنامه‌ها و طرح‌های مناسب برای ارائه و اشتراک توانمندی‌های خود نقش مهمی در بهبود وضعیت موجود ایفا می‌کند (شرکت‌کننده شماره ۳).</p>
	<p>حمایت و پشتیبانی مالی اگر نیازهای دانش‌آموزان و نواحی و رفع موانع اقتصادی مورد پیگیری قرار نگیرد، آموزش و پرورش در دستیابی به اهداف و آرمان‌ها و رسالت خود ناتوان خواهد بود (شرکت‌کننده شماره ۶).</p>
	<p>توجه به تفاوت‌ها و استعدادها در صورت غفلت از تفاوت‌ها و شایستگی‌های ویژه، دانش‌آموزانی که از عملکرد ضعیف‌تری برخوردارند رفته‌رفته از پیشرفت تحصیلی ناامید شده و ممکن است ترک تحصیل کنند (شرکت‌کننده شماره ۱).</p>
	<p>انگیزه و الگوسازی عدم تشریح فواید آموزش و پرورش و بی‌توجهی نسبت به معرفی الگوهای بومی موفق به تضعیف خواست و اراده مردم بومی برای ایفای نقش مؤثرتر در آموزش و پرورش منجر می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۹).</p>
	<p>ارزیابی هزینه- فایده ذی‌نفعان خانواده‌ها فواید و هزینه‌های آموزش و پرورش را با هم مقایسه می‌کنند و اگر ادامه تحصیلات را کار مقرون به صرفه‌ای ندانند، رغبتی به ادامه تحصیل فرزندان ندارند (شرکت‌کننده شماره ۷).</p>
	<p>آموزش کاربردی و نیازمحور ارتقای کیفیت آموزش و مشارکت مؤثر در آموزش منوط به بازبینی محتوا و روش‌های آموزشی و توجه ویژه به مهارت‌های مورد نیاز زندگی است (شرکت‌کننده شماره ۳ و شرکت‌کننده شماره ۵).</p>
راهبردها	<p>انعطاف و تنوع آموزش رعایت شرایط و نیازهای محلی با رویکرد ترکیبی (ملی و محلی) و تنوع در روش‌های آموزش از شیوه‌های مؤثر برای آموزش و تدریس موفق در نواحی محروم می‌باشد (شرکت‌کننده شماره ۱).</p>

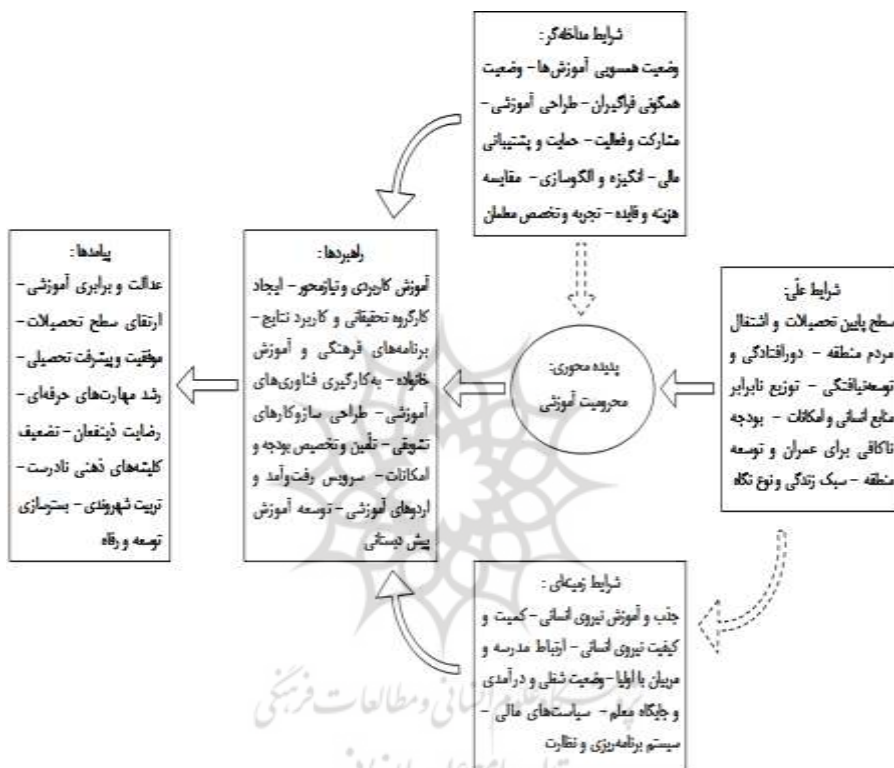
مقوله‌ها	یافته‌ها
	<p>راهنمایی و هدایت آموزگاران جهت اتخاذ شیوه‌های خلاقانه در آموزش و تدریس متناسب با شرایط بومی، جغرافیایی و فرهنگی ضروری است (شرکت کننده شماره ۵).</p>
	<p>اتخاذ سیستم آموزش اصلاحی و فراهم ساختن زمینه تکرار مباحث درسی و برگزاری دوره‌های تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان، بهبود عملکرد تحصیلی آنان را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۹ و شرکت‌کننده شماره ۱۲).</p>
<p>نوآوری در آموزش و پرورش نواحی</p>	<p>توجه و تمرکز بر حل مسأله محرومیت و دورافتادگی از طریق تأسیس مدارس مستقل در مراکز پرجمعیت و استقرار سیستم حمل‌ونقل، موجب بهره‌وری انسانی و استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های موجود می‌باشد (شرکت‌کننده شماره ۶).</p>
	<p>با تجمیع دانش‌آموزان در یک ساختمان آموزشی، به جای اختصاص یک معلم به تعدادی دانش‌آموز چندپایه، می‌توان دانش‌آموزان را در کلاس‌های تک‌پایه تقسیم کرد و به هر پایه یک معلم تخصیص داد (شرکت‌کننده شماره ۵).</p>
<p>ایجاد کارگروه تحقیقاتی و کاربرد نتایج</p>	<p>بر اساس تشکیل کارگروه‌های بررسی و مطالعه وضع موجود آموزش مناطق محروم و شناسایی نقاط قوت و ضعف، می‌توان در راستای پیش‌بینی نیازهای آینده و تنظیم مراحل بهبود آموزش و پرورش گام برداشت (شرکت‌کننده شماره ۱۲).</p>
	<p>ایجاد کارگروه‌های تحقیق و برنامه‌ریزی برای انجام طرح‌ها و ایده‌های آموزشی و پیگیری نتیجه، نقش مهمی در تسریع پیشرفت و بهبود وضعیت آموزش و پرورش و جلوگیری از تکرار روند آزمایش و خطا و اتلاف منابع دارد (شرکت‌کننده شماره ۳).</p>
<p>ارزیابی مستمر عملکرد</p>	<p>می‌توانیم بعد از تهیه یک لیست از دانش‌آموزان فعال و دارای رفتارهای مثبت، در مقابل اسامی به توضیح موفقیت‌ها و ذکر ویژگی‌های آنها بپردازیم و جوایزی به بهترین‌ها تخصیص دهیم (شرکت‌کننده شماره ۱).</p>
<p>برنامه‌های فرهنگی و آموزش خانواده</p>	<p>فرهنگ‌سازی و تلاش و تمرکز بر تغییر مثبت نوع نگاه و تقویت اراده‌ها به سمت جذب مشارکت و حمایت مادی و معنوی خانواده‌ها از آموزش، موجب هموار شدن مسیر تحولات مثبت در آموزش مناطق محروم خواهد شد (شرکت‌کننده شماره ۴ و شرکت‌کننده شماره ۸).</p>
<p>کاربرد تکنولوژی و فناوری‌های آموزشی</p>	<p>با توجه به سرعت تحولات جهانی به طور کلی و فناوری‌های آموزشی به طور خاص، تخصیص اعتبارات لازم و فراهم ساختن زیرساخت‌های فناوری اطلاعات یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است (شرکت‌کننده شماره ۲).</p>
<p>راهبردها</p>	<p>جلب مشارکت افراد و سازمان‌های فعال در عرصه آموزش و تکنولوژی و استفاده از کمک آنها در فعالیت‌های آموزشی مدرسه یک اقدام فوری و کوتاه مدت می‌باشد (شرکت‌کننده شماره ۲ و شرکت‌کننده شماره ۸).</p>

مقوله‌ها	یافته‌ها
	طراحی سازوکارهای تشویق و پاداش برگزاری برنامه‌ها و جشنواره‌های مختلف نظیر تجارب برتر تربیتی، اجرای طرح‌های پژوهشی دانش‌آموزان (مثل طرح جابر) و مسابقات علمی دیگر، رشد و پویایی علمی در عرصه آموزش و پرورش را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۴ و شرکت‌کننده شماره ۱۴).
	سازوکار ارتباط و تعامل میان ذی‌نفعان برقراری نظام ارتباط و تعامل میان دانش‌آموز با آموزگار و مدرسه و اولیا با آموزگاران و مدرسه، زمینه تحقق اعتماد متقابل و تلاش جمعی برای بهبود وضعیت موجود را فراهم می‌سازد (شرکت‌کننده شماره ۴).
	تأمین اعتبارات و تجهیزات توجه به شیوه‌های ایجاد انگیزه برای معلمان و دانش‌آموزان از طریق تلاش برای رفع مشکلات زیرساختی مدارس و تخصیص امتیازات ویژه برای حفظ نیروی انسانی و جلوگیری از مقطع‌گزینی یک راه حل فوری می‌باشد (شرکت‌کننده شماره ۷).
	امروزه تهیه و محافظت از وسایل رفاهی و آموزشی در ابعاد راه‌اندازی و نگهداری در راستای تحقق آموزش و پرورش کارآمد از امور بدیهی محسوب می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۶).
	گسترش آموزش‌های مقدماتی و آمادگی با توجه به بستر و شرایط فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی که دانش‌آموزان در آن رشد کرده‌اند، آموزش‌های قبل از ورود رسمی به مدرسه بخش زیادی از بار فشارهای روانی موجود را می‌کاهد (شرکت‌کننده شماره ۸).
	عدالت و برابری آموزشی مجموعه اقدامات و راهکارهای بهبود وضعیت آموزش ابتدایی، فرهنگ‌سازی، حمایت مالی و کاهش شکاف‌های تحصیلی را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۱ و شرکت‌کننده شماره ۱۰).
	ارتقای سطح تحصیلات گام‌گذاری برای ایجاد تغییر و تحولات مثبت در تحصیل دانش‌آموزان، به تحقق اهداف مربوط به ارتقای سطح کمی و کیفی سوادآموزی منجر خواهد شد (شرکت‌کننده شماره ۶ و شرکت‌کننده شماره ۱۳).
	پیامدها در سال‌های اخیر، آمار ورود به دانشگاه و قبولی در آزمون‌های استخدامی رشد چشمگیری داشته و شاهد تغییر مثبت نگاه مردم منطقه نسبت به آموزش و پرورش هستیم (شرکت‌کننده شماره ۸ و شرکت‌کننده شماره ۱۲).
	شناخت زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و ارائه راهکارهای متناسب، زمینه تحقق پیشرفت و موفقیت تحصیلی و ممانعت از ترک تحصیل را فراهم می‌سازد (شرکت‌کننده شماره ۴).
	موفقیت و پیشرفت تحصیلی در پی برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های تحول‌آفرین در آموزش مناطق محروم، ارتقای سطح علمی و جایگاه محلی، منطقه‌ای و در نهایت کشوری از موفقیت‌های مورد انتظار می‌باشد (شرکت‌کننده شماره ۳).

مقوله‌ها	یافته‌ها
	ارتقای سطح انگیزه تحصیل و میل به پیشرفت تحصیلی و ارتقای جایگاه اجتماعی از فواید تقویت اراده‌ها و انگیزه‌ها و کسب حمایت والدین به شمار می‌آید (شرکت‌کننده شماره ۱۲).
رشد مهارت‌های حرفه‌ای	همدلی و تلاش همه عوامل مرتبط برای ایجاد تحولات مثبت در آموزش نواحی محروم، ارتقای سطح انگیزه و تعلق به کار و رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلمان را موجب می‌شود (شرکت‌کننده شماره ۱۱).
رضایت ذی‌نفعان	تحقق تغییر و تحولات مثبت و ارتقای کارایی و اثربخشی آموزش و بهره مندی ذی‌نفعان از منافع ناشی از مشارکت در آموزش و پرورش، استقبال از نتایج و پیامدهای مطلوب را در پی دارد (شرکت‌کننده شماره ۱۰).
تضعیف کلیشه‌های ذهنی جنسیتی	موفقیت نظام آموزشی در فرهنگ‌سازی و ایجاد نگاه مثبت و آگاه‌سازی مردم نسبت به اهمیت آموزش و پرورش فرزندان پسر و دختر در درازمدت به تضعیف کلیشه‌های نادرست جنسیتی خواهد انجامید (شرکت‌کننده شماره ۱۳).
بسترسازی توسعه و رفاه	جامعیت محتوا و توجه ویژه نسبت به آموزش کاربردی به ارتقای دانش عمومی و در واقع به زمینه‌سازی برای تحقق توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد (شرکت‌کننده شماره ۳ و شرکت‌کننده شماره ۱۴).
تربیت شهروندی	بدون شک، بهبود وضعیت کمی و کیفی آموزش و پرورش، کاهش میزان جرائم و بزهکاری و افزایش میزان هنجارمندی، احترام به قانون و رعایت حقوق شهروندی را به دنبال دارد (شرکت‌کننده شماره ۹).

همچنان‌که در جدول مشاهده می‌شود، شرایط علی عبارتند از عواملی همچون سطح پایین تحصیلات و اشتغال مردم منطقه، دورافتادگی و توسعه‌نیافتگی، بودجه ناکافی برای عمران و توسعه منطقه و سبک زندگی و نوع نگاه؛ شرایط زمینه‌ای عبارتند از جذب و آموزش نیروی انسانی، کمیت و کیفیت نیروی انسانی، ارتباط مدرسه و مربیان با اولیا، وضعیت شغلی و درآمدی و جایگاه معلم، سیاست‌های مالی نامناسب و ضعف سیستم برنامه‌ریزی و نظارت؛ از شرایط مداخله‌گر می‌توان به ناهمسویی آموزش‌ها، طراحی آموزشی، مشارکت و فعالیت، حمایت و پشتیبانی مالی، انگیزه و الگوسازی و مقایسه هزینه-فایده اشاره کرد؛ آموزش کاربردی و نیازمحور، ایجاد کارگروه تحقیقاتی و کاربرد نتایج، طراحی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و آموزش خانواده، به‌کارگیری فناوری‌های آموزشی، طراحی سازوکارهای تشویقی،

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
 تأمین و تخصیص بودجه و امکانات و توسعه آموزش پیش دبستانی از راهبردهای بهبود وضع موجود می‌باشند و پیامدها نیز عبارتند از عدالت و برابری آموزشی، ارتقای سطح تحصیلات، موفقیت و پیشرفت تحصیلی، رشد مهارت‌های حرفه‌ای، رضایت ذی‌نفعان، تضعیف کلیشه‌های ذهنی نادرست، تربیت شهروندی و بسترسازی توسعه و رفاه.



شکل ۳: الگوی پدیده‌محور پژوهش

اعتباریابی الگو

برای تعیین روایی داده‌ها و نتایج از شیوه‌های تأیید شرکت‌کنندگان و بررسی همکاران استفاده شده است؛ برای اطمینان از یافته‌ها و تفاسیر، حاصل و نتایج به‌دست آمده و استخراج شده جهت تطبیق به سه نفر از مشارکت‌کنندگان ارجاع شد و توسط ایشان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین سه نفر از همکاران متخصص (کارشناس) روش و تفاسیر را مورد بررسی

دقیق قرار دادند و پس از دریافت نظرات و اصلاحات لازم، در نهایت روایی و صحت یافته‌ها و داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت.

برای محاسبه پایایی به روش بازآزمایی، از بین مصاحبه‌ها سه مصاحبه به عنوان نمونه انتخاب شد و هر یک در دو فاصله زمانی مشخص (کوتاه) دو بار شناسه‌گذاری شدند و سپس شناسه‌ها (یا کدها) با هم مقایسه شد و میزان توافق بین آنها به عنوان ثبات شناسه‌گذاری (یا ثبات کدگذاری) تعیین شد.

$$\text{پایایی} = \frac{\text{تعداد کل کدگذاری‌ها} \times 100}{\text{مجموع توافقات}} \times 100$$

جدول ۴: محاسبه پایایی بازآزمون یافته‌های مصاحبه (داده‌بنیاد)

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کل شناسه‌ها	مورد توافق (جفت)	عدم توافق	پایایی
۱	۴	۱۹	۷	۵	٪۷۳
۲	۸	۲۴	۹	۶	٪۷۵
۳	۱۲	۲۶	۱۱	۴	٪۸۴
	کل	۶۹	۲۷	۱۵	٪۷۸

همچنین برای تعیین پایایی کدگذاران (شناسه‌گذاران) با روش توافق درونی بین دو شناسه‌گذار، مجدداً به وسیله پژوهشگر و یک همکار دیگر (آشنا به تحلیل مضمون) مصاحبه‌ها کدگذاری شدند و میزان توافق تعیین شد.

جدول ۵: محاسبه پایایی یافته‌های داده‌بنیاد بین کدگذاران

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کل شناسه‌ها	مورد توافق (جفت)	عدم توافق	پایایی
۱	۴	۱۷	۶	۵	٪۷۰
۲	۸	۲۳	۸	۷	٪۶۹
۳	۱۲	۲۵	۹	۷	٪۷۲
	کل	۶۵	۲۳	۱۹	٪۷۰

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
با توجه به نتایج محاسبه شده و اینکه ارقام مربوط به درصد پایایی کل بالای ۷۰٪ است و نیز با توجه به اینکه نتایج درصد محاسبه پایایی‌ها بیش از حداقل قابل قبول تعیین شده توسط کواله (۱۹۹۶) می‌باشد (۶۰ درصد)، بنابراین می‌توان گفت کدگزاره‌ها از پایایی مناسبی برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش عنصری حیاتی در توسعه اقتصادی، سرمایه فیزیکی (ماشین‌آلات و ساختمان‌ها) و نیز سرمایه انسانی است، به طوری که می‌توان گفت اهمیت آموزش در رشد منابع انسانی قابل انکار نیست. اعتقاد بر این است که پیشرفت ملت‌ها با منابع انسانی تعیین می‌شود و برای طبقات پایین‌تر و محروم از سرمایه در یک جامعه، آموزش و پرورش ابزاری مهم در تحرک عمودی و ارتقای کیفیت زندگی و در واقع ارتقای توان رقابتی محسوب می‌شود (نوح^۱، ۲۰۱۴). با این تفاسیر مناطق محروم شامل مناطقی است که از نظر توسعه در مقایسه با سایر مناطق در مقیاس ملی و جهانی در سطح ضعیف‌تری قرار دارند؛ بیشتر نواحی دورافتاده در این مناطق به بخش‌های بهداشتی و درمانی مناسب دسترسی ندارند، از نظر زیرساخت و کیفیت آموزش در سطح مناسبی قرار ندارند و علاوه بر اینکه امکانات مدارس ناکافی است، امکانات موجود نیز معمولاً بر اساس شرایط و شایستگی‌ها توزیع نمی‌شود (نورلیلا و همکاران، ۲۰۱۸). داده‌های حاصل از مطالعات در مناطق توسعه‌نیافته نشان می‌دهد که ساکنان بزرگسال و به تبع خردسالان این مناطق با کمبودها و مشکلات چندگانه‌ای در ابعاد بهداشتی، مالی، روش زندگی و حتی در نوع نگاه به زندگی حال و آینده با مشکلاتی مواجه‌اند که تداوم محرومیت مردم این نواحی را موجب می‌شود. بنابراین بهبود وضع موجود نیازمند اراده جدی مسئولان و مردم، تخصیص و جذب اعتبارات و منابع لازم و آموزش چندوجهی با تمرکز بر توسعه منطقه‌ای می‌باشد.

پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت آموزش مناطق محروم با تأکید بر مقطع ابتدایی و با مطالعه موردی منطقه موسیان انجام شد. در بخش پیمایشی (سؤال اول پژوهش: وضع موجود آموزش ابتدایی در ابعاد درونداد، فرایند، برونداد و عوامل محیطی چگونه است؟)،

نتایج بررسی عوامل دروندادی، فرایندی، بروندادی و محیطی نشان‌دهنده وجود نواقص، کاستی‌ها و کمبودهای عدیده است. در کل، نتایج بررسی سیستمی وضعیت آموزش ابتدایی با نتایج آهنگیان (۱۳۸۶) که نشان داد با وجود کارهای انجام شده و پیشرفت‌های حاصل شده همچنان آموزش در بعد ورودی، فرایند و خروجی‌ها با مشکلات و چالش‌هایی مواجه است همخوانی دارد. توزیع نیروی انسانی و منابع مالی و اعتبارات آموزش ابتدایی و نیز وضعیت کمی و کیفی امکانات و فضاهای آموزشی در سطح نامطلوب قرار دارند و معلمان همچنان با مشکلات مالی و رفاهی فراوانی روبه‌رو هستند. در راستای تطابق بیشتر آموزش با نیازها و شرایط محلی، اهداف و محتوا و حتی مقررات و شیوه‌نامه‌ها نیاز به بازبینی و اصلاح دارد. عدم نوآوری و واگذاری تصمیمات به مردم (در پی بی‌توجهی به زیرساخت بومی)، افزایش هزینه‌ها و مشکلات ناشی از تصمیمات کلان و کاهش کیفیت عملکردها از نتایج منفی تمرکز بیش از حد خدمات آموزشی است (گرتلر و شارگروفسکی، ۲۰۰۸؛ کِر و وست، ۲۰۱۰؛ چهاربند و مؤمنی، ۱۳۹۰). طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی در ایران به صورت متمرکز انجام می‌شود و در حال حاضر نیازهای محلی آن‌گونه که شاید و باید مورد توجه نیست (ستاری، ۱۴۰۰). در چنین وضعیت نامناسبی معلمان نمی‌توانند انگیزه و پشتکار لازم را در فعالیت‌های آموزشی و حرفه‌ای از خود نشان دهند. تکنولوژی آموزشی (فناوری و رسانه‌ها) آنچنان که باید از جایگاه مناسبی در فرایند تدریس آموزگاران آموزش ابتدایی برخوردار نیست و در شرایطی که آموزش و پرورش از عهده تهیه وسایل و مهیا نمودن زمینه‌ها و شرایط حداقلی بر نمی‌آید چگونه می‌توان به اجرای فعالیت‌های علمی- فرهنگی، هنری، پرورشی و معنوی امید داشت؟ در این شرایط، آموزش و پرورش از نظر کمی و کیفی در سطح مطلوبی قرار ندارد و سواد و دانش دانش‌آموزان از نظر به‌روز و کاربردی بودن وضعیت مناسبی ندارد و با این اوصاف، دور از انتظار نیست که دانش‌آموختگان در برآوردن نیازهای فردی و ایفای مطلوب نقش‌های اجتماعی با مشکل مواجه شوند. افزون بر موارد مذکور، تأثیر نامطلوب عوامل و شرایط اقلیمی و جغرافیایی بر تحقق اهداف و مقاصد آموزش ابتدایی، وضعیت نامناسب ظرفیت‌های مالی موجود و عدم تأثیر مطلوب و سازنده فرهنگ و سنن محلی بر مشارکت و حمایت مردمی از مشکلات موجود در توسعه آموزشی می‌باشند. تانری و دیمیر (۲۰۱۱) معتقدند که علاوه بر

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

مشکلات اداری و آموزشی، در نواحی محروم و دورافتاده مشارکت والدین در امور آموزشی بسیار پایین است.

می‌توان گفت مشکلات مربوط به کمبود منابع (مادی و انسانی) و امکانات و نیز مسائل مرتبط با عوامل فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی از مهمترین چالش‌های موجود در منطقه مورد مطالعه می‌باشند که وضعیت آموزش و پرورش ابتدایی را تحت شعاع قرار می‌دهند. در نواحی روستایی و دورافتاده، پراکندگی و شرایط نامناسب مسیرهای ارتباطی مانع بزرگی در مسیر تسریع و تسهیل روند تخصیص اعتبارات عمرانی و آموزشی محسوب می‌شود. با توجه به بافت منطقه مورد مطالعه، مسائل اقتصادی و معیشتی بر آموزش و وضعیت تحصیلی ارجحیت داشته و مردم بیشتر بر رفع مشکلات ناشی از نوع زندگی خود تمرکز دارند. در این شرایط، اگر چه تعدادی از خانواده‌ها نیز برای آموزش کودکان خود وقت می‌گذارند اما عمدتاً روی کمک همه اعضا حتی کودکان در فعالیتهای دامپروری و تا حدودی هم در کشاورزی حساب باز می‌کنند و نوع نگاه و فعالیت اولیا و دانش‌آموزان در تداوم محرومیت آموزشی بی‌تأثیر نیست.

در مورد نتایج سؤال دوم پژوهش (الگوی متناسب برای آموزش ابتدایی منطقه مورد مطالعه چیست و اعتبار آن چگونه است؟)، با دقت در یافته‌های داده‌بنیاد و تعدیل و تجمیع مفاهیم می‌توان گفت که سطح سواد و تحصیلات و به تبع سطح اشتغال مردم منطقه در وضعیت مناسبی قرار ندارد. همچنین مسأله دورافتادگی و توسعه‌نیافتگی و نیز توزیع نابرابر منابع انسانی و امکانات موجود و توجه ناکافی برای عمران و توسعه و در عین حال، سبک زندگی و امرار معاش مردم منطقه از علل تداوم محرومیت به طور کلی و محرومیت آموزشی به شکل خاص است. زارعی (۱۳۹۵) و صادقی (۱۳۹۷) تمرکز و یک‌سویه شدن جریان سرمایه به سمت سکونتگاه‌های توسعه‌یافته‌تر را موجب تشدید و افزایش دامنه محرومیت و فقر در نواحی دورافتاده‌تر دانسته‌اند؛ در مورد شرایط زمینه‌ای در ارتباط با محرومیت آموزشی می‌توان گفت که سیاست‌ها و فرایندهای جذب و آموزش نیروی انسانی (هم از نظر کمی و هم از نظر کیفی) و وضعیت شغلی و درآمدی و جایگاه معلم و نیز سیاست‌های مالی و سیستم برنامه‌ریزی و نظارت در سطح مناسبی قرار ندارد. ارتباط و تعامل مدرسه و مربیان با اولیا نیز همچنان با سطح سازنده و مطلوب فاصله دارد. عدم تطابق آموزش‌ها با نیازهای محلی و سطح پایین

مشارکت و فعالیت و همکاری محلی و حمایت و پشتیبانی مالی و از طرفی، مسأله انگیزه و نگاه هزینه-فایده نسبت به آموزش و پرورش از شرایط مؤثر و مداخله‌گر محسوب می‌شوند؛ برنامه درسی به عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به نظام آموزشی و منعکس‌کننده سیاست‌های فرهنگی و اعتقادی می‌تواند به گسترش و تبادل ارزش‌های فرهنگی، ایجاد وفاق و همبستگی و تحکیم هویت ملی منجر شود (عبدلی و صادقی، ۱۳۹۴)، بنابراین ظرفیت‌های ذی‌نفعان و تغییر مثبت نوع نگاه آنها را باید مورد توجه قرار داد. با این تفاسیر، راهبردهایی نظیر کاربردی و نیازمحور ساختن آموزش، ایجاد کارگروه‌های تحقیقاتی و کاربرد نتایج و طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های فرهنگی و آموزش خانواده و نیز تلاش برای به‌کارگیری فناوری‌های آموزشی با استفاده از ظرفیت‌ها و طرق ممکن راهگشاست. ملکی و همکاران (۱۳۹۷) سطح بندی اهداف و ارتقای نگرش و ویژگی‌های مدیر و معلم را از راهبردهای ایجاد ظرفیت به منظور تحقق حد‌آکثری اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی دانسته‌اند. همچنین نشاط کاری معلمان نیازمند طراحی سازوکارهای تشویقی و تأمین و تخصیص بودجه و امکانات و توسعه آموزش در مرحله آمادگی و پیش از شروع رسمی دبستان از راهبردهای مناسب می‌باشند؛ این مسأله و پیشنهاد یک سیستم اصلاحی متشکل از معیارها و شایستگی‌ها در نتایج تحقیق چهاربند و مؤمنی (۱۳۹۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. تحقق عدالت و برابری آموزشی و کاهش شکاف‌های موجود، ارتقای سطح تحصیلات و موفقیت و پیشرفت تحصیلی و نیز رشد مهارت‌های حرفه‌ای و در نهایت، رضایت ذی‌نفعان و تضعیف کلیشه‌های ذهنی نادرست، تربیت شهروندی و بسترسازی توسعه و رفاه از نتایج و پیامدهای بهبود وضعیت آموزش و پرورش می‌باشند.

کمبود نیروی اداری، آموزشی و خدماتی، تحصیلات و آموزش‌های نامرتب نیروی انسانی، تخصص و تجربه ناکافی، توزیع نامناسب نیروی کار موجود، سیاست‌های استخدامی نامناسب و کمبود حمایت مالی و معنوی از نیروی کار و ... از مسائلی است که مناطق محروم و منطقه مورد مطالعه (موسیان) به طور همیشگی و یا دست کم به شکل مقطعی با آن روبه‌رو هستند. عدم آمادگی و تحصیلات نامرتب بخشی از نیروهای آموزشی، مسأله‌ای است که علاوه بر تحمیل فشار روانی در محیط آموزشی و بین اعضای این محیط، سیستم کلی آموزش مقطع تحصیلی را نیز متأثر می‌سازد. با اندک تأملی در مورد تجهیزات و امکانات آموزشی در می‌یابیم

بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...

که وسایل و ساختمان‌های موجود وضعیت مناسبی ندارند و تعمیر و نگهداری وسایل موجود نیز به شکل مطلوبی انجام نمی‌شود. زمینه و بستر محرومیت و توسعه‌نیافتگی (علی‌رغم منابع طبیعی غنی)، اشتغال پایین و زندگی و امرار معاش بر اساس شیوه‌های سنتی و درآمد مقطعی مردم منطقه و به تبع مشکلات مربوط به تغذیه مناسب دانش‌آموزان، پراکندگی نواحی روستایی و مشکلات رفت‌وآمد دانش‌آموزان و معلمان و عدم تمایل به سرمایه‌گذاری در منطقه از موانع پیشرفت و بهبود وضعیت تحصیلی و تحقق توسعه آموزشی در منطقه مورد مطالعه می‌باشند که تداوم محرومیت آموزشی را در پی دارند.

از نتایج اختصاصی پژوهش حاضر می‌توان به مشکلات آموزش و پرورش در ارتباط با فرهنگ و سبک زندگی، فقر و شرایط جغرافیایی اشاره کرد. بررسی نتایج مربوط به عوامل برون‌دادی نشان داد که سطح مهارت‌های کیفی دانش‌آموزان و میزان تحقق اهداف آموزشی و ارتقاء و تعالی دانش، نگرش و خلاقیت دانش‌آموزان در وضعیت مناسب و مطلوبی قرار ندارد که گذشته از مسأله دوزبانگی با سبک زندگی و فرهنگ محلی در ارتباط است، به گونه‌ای که پسران و دختران باید در اقتصاد خانه و فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری مشارکت داشته باشند و حتی بعضی خانواده‌ها از اطمینان و اراده لازم برای حمایت و پشتیبانی از فرزندان خود در حوزه آموزش و یادگیری برخوردار نیستند. استفاده از ماهواره و مشاهده شبکه‌های تلویزیونی خارجی که زبان و فرهنگ و آموزش ناهمخوان را ترویج می‌کنند نیز یکی از مسائل و ویژگی‌های اختصاصی منطقه مورد مطالعه می‌باشد. در برخی نواحی، به دلیل رواج زندگی عشیره‌ای و پراکندگی جمعیتی و در نتیجه تعداد پایین دانش‌آموزان و عدم تخصیص اعتبارات مناسب برای به‌روزرسانی و تأمین امکانات، تداوم افت تحصیلی مشهود می‌باشد.

در حال حاضر با وجود پیشرفت‌های آموزشی، همچنان شاهد هستیم که در مناطق کمتر توسعه‌یافته و دورافتاده، مدارس با کمترین کیفیت‌ها و پایین‌ترین سطوح استاندارد به فعالیت خود ادامه می‌دهند و همچنان تعداد دانش‌آموزانی که ترک تحصیل می‌کنند و در مدارس حضور ندارند رقم بالایی است. بنابراین ما باید به دنبال راهبردها و روش‌های مناسبی برای گسترش آموزش همراه با کیفیت و سنجش مداوم میزان ثمربخشی و اصلاح شیوه‌ها و شناسایی مشکلات و موانع موجود باشیم؛ توسعه آموزشی نیازمند توجه ویژه به محتوا و موضوعات بومی و کاربردی، توسعه مهارت‌ها، به‌روزرسانی و ارتقای آموزش‌ها همگام با

تحولات جدید، توجه به تفاوت‌های فردی، ارتقای سطح کیفیت آموزش، زمینه‌سازی تداوم تحصیلات، تخصیص بهینه امکانات و اعتبارات، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب، فراهم سازی زمینه برای سرمایه‌گذاری آموزشی و ارتقای نظارت‌ها و هماهنگی ظرفیت‌های فرهنگی- محلی می‌باشد. در پایان، در راستای بهبود وضع موجود آموزش و پرورش ابتدایی در مناطق محروم راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- برقراری سازوکار نیازسنجی و توزیع و تخصیص عادلانه منابع و امکانات موجود مالی و انسانی میان مناطق مختلف.
- آگاه‌سازی ذی‌نفعان و فراهم‌سازی زمینه برای جذب ظرفیت‌های محلی و پشتیبانی سازمان‌های مربوط در ابعاد زیرساختی و مالی.
- فراهم ساختن امکان تعامل و اشتراک تجارب معلمان در راستای ارتقای کیفیت آموزش و نیز توجه به شرایط محلی و نیازهای اساسی در آموزش‌های دانشگاهی و ضمن خدمت معلمان.
- شناسایی نارسایی‌های موجود در مناطق مختلف و برنامه‌ریزی نیمه‌متمرکز و ناحیه‌ای در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و آموزشی.

منابع

- آقازاده، محرم؛ فضلی، رخساره (۱۳۸۴). راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه، تهران: انتشارات آبیژ.
- آهنچیان، محمدرضا (۱۳۸۶). فرصت‌های آموزشی و نابرابری‌های منطقه‌ای در مدارس مناطق مرزی و غیر مرزی استان خراسان رضوی، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، ۱۴ (۳)، ۴۴-۲۷.
- بابایی فارسانی، میثم؛ امین‌دوست، عاطفه؛ علی‌دادی، ابوذر (۱۳۹۷). طراحی الگوی نوآوری باز در شرکت‌های کوچک و متوسط با استفاده از نظریه داده‌بنیاد (مورد مطالعه: صنایع غذایی استان چهارمحال و بختیاری)، فصلنامه مدیریت راهبردی دانش‌سازمانی، ۱ (۲)، ۱۳۶-۹۵.

- بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
- پورسلیم، عباس؛ عارفی، محبوبه؛ فتحی واجارگاه، کورش (۱۳۹۶). طراحی الگوی برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران: مدلی برآمده از نظریه داده‌بنیاد، مجله اندیشه های نوین تربیتی، ۱۳ (۳)، ۳۵-۷.
- تیغ‌بخش، سمیرا؛ سعادت‌مند، زهره؛ کشتی‌آرای، نرگس (۱۳۹۵). طراحی برنامه درسی مبتنی بر آموزش صلح در دوره ابتدایی؛ یک مطالعه کیفی، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۸ (۴)، ۲۷۰-۲۳۹.
- جاویدمهر، محمود؛ معقول، علی؛ نودهی، حسن؛ بینش، مرتضی (۱۳۹۷). ارائه مدل آموزش فرهنگ سازمانی در آموزش و پرورش خراسانی رضوی با استفاده از مدل نظریه‌ای داده‌بنیاد، مجله پژوهش در نظام‌های آموزشی (ویژه‌نامه)، ۶۹۰-۶۷۱.
- چهاربند، فرزانه؛ مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۰). چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه مبتنی بر دانایی: نگاه از زاویه آموزش پایه، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱ (۴)، ۱۱۵-۷۵.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۹۲). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (راهنمای عملی تحقیق)، تهران: نشر ساوالان.
- خزاعی، محمد؛ سلیمان‌پور عمران، محبوبه؛ اصغری، حسین (۱۳۹۸). بررسی جایگاه برنامه‌ریزی منطقه ای در روند برنامه آموزشی (مطالعه موردی: ناحیه ۴ شهر مشهد)، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۳ (۱۳)، ۳۸۲-۳۶۷.
- سامری، مریم (۱۳۹۳). مدل‌سازی کاهش نابرابری‌های آموزشی مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی به منظور نیل به توسعه پایدار آموزشی، دانشگاه ارومیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- سامری، مریم؛ حسینی، محمد؛ سیدعباس‌زاده، میرمحمد؛ موسوی، میرنجنف (۱۳۹۴). تبیین نابرابری‌های آموزشی و ارائه مدل توسعه آموزشی به منظور آمایش و نیل به عدالت آموزشی (موردشناسی: مناطق آموزشی استان آذربایجان غربی)، مجله جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، ۵ (۱۴)، ۱۲۲-۱۰۵.
- سبحانی، نویخت (۱۳۹۹). نابرابری‌های ناحیه‌ای در توسعه پایدار آموزشی (نمونه موردی: شهرستان های استان آذربایجان غربی)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۰ (۳۵)، ۲۱۶-۱۹۳.
- ستاری، علی (۱۴۰۰). تمرکززدایی از برنامه درسی در ایران با تکیه بر مؤلفه‌های ارزش- باوری و قوانین سند برنامه درسی ملی، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۶ (۶۲)، ۲۲۲-۱۹۷.

سجادیان، ناهید؛ اکرامی، نعیم (۱۳۹۵). سنجش میزان برخورداری استان‌های مرزی کشور از شاخص‌های توسعه با استفاده از مدل‌های تاکسونومی عددی و تاپسیس، فصلنامه آمایش محیط، (۴۱)، ۶۹-۴۷.

شیرکرمی، جواد؛ بختیارپور، سعید (۱۳۹۳). ارزیابی نابرابری‌ها در دستیابی به فرصت‌های آموزشی: با مطالعه موردی مقطع ابتدایی شهرستان دهلران در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۷ (۲۶)، ۵۸-۴۱.

رحمانیان کوشکی، عبدالرسول؛ برزگر، بهرام؛ کمالی‌راد، اسماعیل (۱۳۹۸). تدوین مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس با استفاده از نظریه داده‌بنیاد، فصلنامه آموزش و ارزشیابی، ۱۲ (۴۸)، ۱۳۰-۱۰۳.

رضایی، علی‌اکبر؛ سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۵). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر ویژگی‌های شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۵ (۱۸)، ۴۱-۱۱.

زارعی، یعقوب (۱۳۹۵). سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی)، فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان، ۱۱ (۲)، ۷۵-۵۱.

صالحی، کیوان؛ بازرگان، عباس؛ صادقی، ناهید؛ شکوهی یکتا، محسن (۱۳۹۴). بازنمایی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از آسیب‌های احتمالی ناشی از اجرای برنامه ارزشیابی توصیفی در مدارس ابتدایی، فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی، ۵ (۹)، ۹۹-۵۹.

صالحی، کیوان؛ زین‌آبادی، حسن‌رضا؛ پرند، کورش (۱۳۸۸). کاربست رویکرد سیستمی در ارزشیابی کیفیت هنرستان‌های فنی حرفه‌ای: موردی از ارزشیابی هنرستان‌های فنی حرفه‌ای شهر تهران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۸ (۲۹)، ۲۰۳-۱۵۲.

صادقی، حسین (۱۳۹۷). ارتقای شاخص توسعه مناطق محروم با تقویت جایگاه مدارس شبانه روزی، روزنامه شرق، ۱۴ بهمن ۹۷، شماره ۳۳۵۹.

صمدیان، صمد (۱۳۸۵). شیوه‌های اداره و تدریس کلاس‌های درس چندپایه، تبریز، انتشارات مؤلف. فضلی، رخساره؛ سیف، علی‌اکبر؛ کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸). طراحی الگوی ارتقاء کیفیت آموزش برای دختران در مناطق کمتر توسعه‌یافته و بررسی اثربخشی آن، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۸ (۳۲)، ۱۳۹-۱۱۸.

- بررسی وضعیت آموزش ابتدایی در مناطق محروم و طراحی و اعتباریابی ...
- عبدلی سلطان احمدی، جواد؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۴) طراحی و اعتباربخشی الگوی برنامه درسی چندفرهنگی برای دوره تعلیم و تربیت عمومی در ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۰ (۳۹)، ۷۱-۱۰۸.
- مکوسانا، کنعان؛ کاپیسا، ماری جویس (۱۳۸۶). خودآموز تدریس چندپایه، ترجمه محرم آقازاده، تهران: انتشارات آبیژ.
- ملکی، حسن؛ سلمانی، بابک؛ امیرتیموری، محمدحسن (۱۳۹۷). الگویی برای رهبری برنامه درسی در دوره ابتدایی ایران، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، ۱۳ (۴۸)، ۵-۳۸.
- هوسرل، ادموند (۱۳۸۶). ایده پدیده‌شناسی، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Atchoarena, D. Gasperini, L (2003). Education for rural development: towards new policy responses, Published by FAO & UNESCO.
- Atef, H. Medhat, M. (2015). Blended Learning Possibilities in Enhancing Education, Training and Development in Developing Countries: A Case Study in Graphic Design Courses, TEM Journal, 4 (4), 358-365.
- Brighouse, H. Unterhalter, E (2010). Education for primary goods or for capabilities, Cambridge University press, 193-214.
- Gertler, P. Schargrotsky, E (2008). School decentralization: Helping the good get better, but leaving the poor behind, See discussions, stats and author profiles for this publication at: <http://www.researchgate.net/publication/23776761>.
- Guo, L. Huang, J. Zhang, Y (2019). Education Development in China: Education Return, Quality and Equity, Sustainability 2019, 11 (3750), 1-20.
- Kerr, K. West, M (2010). Social inequality: can schools narrow the gap?, Published by the British Educational Research Association, Insight 2.
- Nuh, M (2014). Menyemai Kreator Peradaban. Jakarta: Zaman Publication.
- Nurlaela, L. et al (2018). Development of Education in Disadvantaged: A Case Study in Situbondo Regency; East Java, Advances in Social Science, Education and Humanities Research, 222, 41-46.
- OECD (2011). Educational and skills in Organization for Economic Co-operation and Development (OECD), Better Policies for Development: Recommendations for Policy Coherence, OECD Publishing.
- Straus, A. & Corbin, J. (2008). Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory. Third Edition, Los Angeles: Sage Publications.

Taneri, P.O. Engin-Demir, C (2011). Quality Education in Rural Schools : A Needs Assessment Study (Ankara-Kalecik Sample), International Online Journal Educational Sciences, 3 (1), 91-112.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی